

دو فصلنامه پژوهشنامه نسخه‌شناسی متون نظم و نثر فارسی

سال هشتم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان ۱۴۰۲

جایگاه روضه حسینیة سید احمد اردکانی در مقتل نویسی^۱

زهرا یزدانی طبائی^۲

دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران

علیرضا قوجه‌زاده^۳

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران (نویسنده مسئول)

اشرف چگینی^۴

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد ورامین - پیشوا، دانشگاه آزاد اسلامی، ورامین، ایران

چکیده

روضه حسینیة یکی از تألیفات سید احمد اردکانی یزدی، عالم، مورخ و محدث شیعی (سده ۱۳ق) به زبان فارسی است. عمده موضوع این اثر به زندگانی امام حسین (ع) و واقعه جان‌گداز عاشورا و کربلا اختصاص دارد. اردکانی در نقل هر موضوعی سندی را با ذکر نام راوی و صاحب اثر ارائه داده، سپس به تحلیل و تفسیر برخی از آن‌ها و ترجمه آیات، ابیات، نقل قول‌ها، روایات راویان و مقتل‌نگاران پرداخته است. وی در روضه حسینیة از مطالب و اسناد معتبر بهره جسته و از بافته‌های روضه‌خوانان و معرکه‌گیرانی که آثاری کذب درباره واقعه کربلا و شهادت امام حسین (ع) ارائه داده‌اند، دوری جسته است. اگرچه بیشتر مقتل‌نگاران پیش از وی، مطالبی

۱. تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱۲/۲۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۳/۲۸

۲. z.yazdani2024@gmail.com

۳. Alirezaghojezade@yahoo.com

۴. ashraf_chegini@yahoo.com

بدون مستندات ارائه داده‌اند، این پرسش پیش می‌آید که اردکانی چه اندازه در کار خود موفق بوده و امتیاز او نسبت به دیگر مقتل نگاران چه حد است؟ چنین برمی‌آید که وی با اشراف و تکیه بر مجموعه‌ای از متون، روایات و احادیث معتبر شیعی به ویژه *مثیر الأحزان* ابن‌نماید حلّی، *الامالی* شیخ صدوق، *إعلام‌الواری طبرسی*، *المهوف سید بن طاووس* و... نیز تفاسیری مانند تفسیر ابن‌عباس، امام حسن عسکری (ع) و... توانسته برخی از شبهات و روایات ضعیف درباره شهادت امام حسین (ع) و واقعه کربلا را برطرف نماید. اردکانی را می‌توان یکی از نخستین مترجمان بخش‌هایی از کتب مقاتل، همچون *لهوف سید طاووس* و... تلقی کرد. از این رو روضه حسینیّه جایگاه اسنادی مهمی برای مطالعه و تحقیق درباره مقتل نویسی محسوب می‌شود. در این مقاله با نگاهی مختصر به مقتل نویسی، به معرفی ابعاد شخصیتی اردکانی و نیز معرفی نسخه حاضر و اهمیت آن پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی:

مقتل نویسی، روضه حسینیّه، سید احمد اردکانی، نسخ خطی، متون شیعی.

۱. مقدمه

از میان انبوه نسخه‌های خطی به‌جامانده در دوره‌های مختلف در مراکز علمی و ادبی و کتابخانه‌های داخل و خارج از کشور، دست‌نوشته‌های دینی، مذهبی و عقیدتی بسیاری وجود دارد که مطالب ارزنده‌ای را در این باره برای طرف‌داران و پیروان اهل‌بیت و امامت عرضه داشته‌اند.

با روی کار آمدن صفویان و به رسمیت شناخته شدن مذهب تشیع به‌عنوان مذهب رسمی در ایران و در پی آن، اهمیت دادن به وقایع جان‌گداز کربلا و شهدای عاشورای حسینی، بسیاری از دانشوران و نویسندگان اهل تشیع و علاقه‌مند به خاندان امامت و ولایت، بیشتر و گسترده‌تر در

این مقطع از تاریخ اسلام قلم فرسایی کردند؛ چنان که سید بن طاووس در قرن هفتم هجری، کتاب *لهوف* را درباره حادثه بزرگ عاشورا و قیام سرور شهیدان تألیف کرد؛ حسین واعظ کاشفی نیز در همین دوره، *روضه الشهداء* را نوشت. اگرچه آثار ارزنده‌ای در تاریخ اسلام با عنوان «مقتل نویسی» رایج بوده، متأسفانه از گزند و آسیب روزگار در امان نمانده و مفقود شده‌اند. شیخ آقابزرگ طهرانی در کتاب *الذریعه* به تعدادی از این مقتل نامه‌ها اشاره کرده است؛ از جمله: *مقتل الحسین ابن مخنف*، *مقتل ابی عبدالله از اصبع بن نباته*، *مقتل الحسین از جابر بن یزید جعفی*، *مقتل الحسین از هشام بن محمد بن سائب کلبی*، *مقتل ابی عبدالله (ع)* از محمد بن عمر واقدی، *مقتل الحسین (ع)* از محمد بن حسن طوسی و *مقتل ابی عبدالله (ع)* از نصر بن مزاحم (آقابزرگ طهرانی، ۱۴۰۳ق، ج ۲۲: ۲۲-۳۵).

حادثه عاشورا از پیشامدهای شگفت تاریخ است. قهرمانانی اندک‌شمار در برابر خیل عظیم جنگجویان سفاک و بی‌رحم، تا واپسین لحظه حیات و آخرین قطره خون مقاومت کردند و از همه چیز در راه محبوب خود گذشتند. این مقاومت شجاعانه و فداکاری قهرمانانه، از آغازین لحظه‌های پیدایش، در درازنای تاریخ و تاکنون، چشم‌ها را خیره کرده و زبان‌ها و قلم‌ها را به سوی خود کشیده است. تاریخ‌نگاران و سیره‌نویسان، از نخستین کسانی بودند که به گزارش این واقعه با بسیاری از رخدادهای پیرامونی و حادثه‌های جزئی آن پرداختند و حتی آن دسته از مورخان حکومتی که نان امویان را می‌خوردند، نتوانستند آفتاب دلاوری‌ها، رشادت‌ها و حماسه‌سرایی‌های این تعداد به‌ظاهر اندک و به‌باطن، با همه انسانیت انسان‌ها برابر را نادیده و یا آن را زیر ابر تیره بگیرند. کتاب‌های تاریخ و سیره، چه در میان شیعیان و چه اهل سنت و حتی غیرمسلمانان، واقعه عاشورا را نقطه عطفی در تاریخ و یک پیشامد مسلم گزارش کرده و ارکان و وقایع اصلی آن از مشهورات، متواترات و قطعیات تاریخی است؛ اما تفصیل‌ها و جزئیات آن، مانند هر واقعه تاریخی دیگری با تفاوت‌هایی در نقل‌ها و یا کاستی‌ها و مبالغه‌هایی قابل انتظار همراه بوده است. این درحالی است که با گذشت زمان و دورتر شدن از اصل واقعه، انتظار تغییر

و تحریف بیشتر می‌شود؛ نکته‌ای که قاعده لزوم مراجعه به منابع کهن و نزدیک‌تر به حادثه تاریخی را مدلل می‌سازد (جعفریان، ۱۳۷۵: ۲۵-۲۸).

«خوشبختانه منابع کهن تاریخی و سیره‌نگاری، چنان دقیق و با تفصیل به عاشورا و کربلا پرداخته‌اند که غرض‌ورزی‌ها، اشتباهات و کم‌دقتی‌های همزاد انسان را به‌آسانی نشان می‌دهد. مبنای ما در سنجش اعتبار و سندیت کتاب‌های نوشته‌شده در دوره‌های بعد، همین منابع کهن و مشترکات تاریخی در کنار حفظ معیارهای نقد متون و اسناد تاریخی است. همچنین از آن‌رو که حادثه عاشورا، یکی از سرخ‌ترین جلوه‌های گل‌فام امامت شیعه است، گزارش‌ها و مآخذ پیرامون عاشورا را باید با معیار عصمت امام (ع) نیز سنجید و سیره رفتاری امامت شیعه را بر آنچه به آنان نسبت می‌دهند، حاکم کرد» (همو، ۱۳۷۳: مقدمه).

بر این اساس، کتاب‌ها و منابعی که گزارش‌های خود را نقادی نکرده و آن‌ها را با منابع اصلی تاریخی برابر ننموده و یا به تعارض آن‌ها با سیره و کرامت و شخصیت امام حسین (ع) و یارانش توجه نکرده‌اند، دچار ضعف گشته، از گردونه اعتبار و نقل و استناد خارج می‌شوند. هراندازه تعداد این گزارش‌های بدون اصل و سند و یا نامتجانس با شخصیت کرامتمندان و عزتمندان عاشورائیان در کتابی بیشتر باشد، بر ضعف آن افزوده می‌شود و هراندازه این گزارش‌ها کمتر باشد، کتاب از اعتباری بیشتر بهره‌مند می‌شود.

با این توصیف، کتاب‌هایی که ما امروز به نام «مراثی» و «مقاتل» می‌شناسیم، بسیارند؛ اما تابه‌حال تحقیقی جامع درباره همه آثار مکتوب به‌جامانده از اعصار پیشین درخصوص مرثیه و مقتل‌نامه‌ها نشده و اگر هم کاری شده، در حد یک مقاله و یا احیای یک متن بوده است.

«از میان آثار به‌جای‌مانده از میراث مکتوب با محوریت مرثیه، آنچه تابه‌حال براساس فهراس منتشره، شناسایی و موضوع‌بندی شده است، تعداد ۶۰۰ نسخه خطی با موضوع مرثیه و تعداد ۵۸۰ نسخه خطی با موضوع مقتل‌نامه‌ها بوده است که از این میان بیش از ۹۰ درصد از این آثار اختصاص به واقعه عاشورایی دارند» (بیگ باباپور و غلامیه، ۱۳۹۳: مقدمه).

اگرچه بعضی از این آثار مورد نقد و بررسی علمای زمان قرار گرفته و در صحت و سقم آنها مطالبی ارائه شده، از میان این آثار، به کتاب روضه حسینیة سید احمد بن محمد ابراهیم اردکانی (۱۱۷۵-۱۲۳۸ق) توجه کمتری شده است.

بنابراین در این مقاله به معرفی و بررسی این اثر ارزشمند و شرح حال زندگی مؤلف آن پرداخت می‌شود.

۱-۱. پیشینه تحقیق

درباره مقتل نگاری و روضه نویسی، کتاب‌ها و مقاله‌های بسیاری نگاشته شده است. با مراجعه به فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران (دنا) (ج ۹: ۱۱۵۸-۱۱۴۵) می‌توان به کثرت مقتل نویسی، دست‌نویس‌ها و اهمیت آنها اشاره کرد. از میان آثار چاپ‌شده، متأسفانه به تصحیح و تحقیق دست‌نوشته‌های مقاتل و با موضوعات واقعه عاشورا کمتر توجه شده است؛ یکی از آنها نیز همین نسخه روضه حسینیة احمد اردکانی است که تاکنون هیچ پژوهشی درباره آن صورت نگرفته است.

درباره سید احمد اردکانی و آثار وی می‌توان به دو کتاب زیر اشاره کرد که در سال‌های اخیر تصحیح و چاپ شده است:

۱. *مرآت الاکوان*، تحریر شرح هدایه ملاصدرا، تصحیح و تحقیق عبدالله نورانی، تهران: علمی فرهنگی، ۱۳۷۵.

۲. ترجمه اردکانی بر کتاب *محبوب القلوب*، تاریخ حکمای پیش از اسلام، از قطب‌الدین اشکوری، تصحیح و تحقیق علی اوجبی، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.

۲. نگاهی بر مقتل‌نگاری در دوره اسلامی

«مقتل» بر وزن مَفْعَل، اسم مکان از ریشه «قتل»، به معنای قتلگاه و کشتن‌گاه است (دهخدا، ۱۳۷۵: ذیل واژه «مقتل»). اما در اصطلاح تاریخ‌نگاری، مراد از «مقتل الحسین(ع)»، نوعی تک‌نگاری تاریخی است که در آن به شرح جریان شهادت امام حسین(ع) و یارانش و در یک کلام، به واقعه کربلا (از آغاز تا پایان) پرداخته شده است. البته اینکه بر بسیاری از آثار یادشده عنوان مقتل اطلاق شده، به این علت است که مقتل‌نویسان و مورخان تاریخ عاشورا، اخبار مربوط به واقعه عاشورا و کیفیت نبرد و شهادت امام حسین(ع) و یارانش را در یکجا جمع کرده و آن آثار، محل گردآوری آن اخبار شده است. «بنابراین، تعبیر مقتل الحسین(ع) به معنای مکان-اخبار گردآوری شده درباره واقعه عاشورا و به‌ویژه شهادت امام حسین(ع) است» (جودکی، ۱۳۷۷: مقدمه).

«غالب آثار مکتوب در سده‌های نخستین هجری پیش از کتابت به صورت شفاهی و سینه‌به‌سینه نقل شده است. در همین راستا نخستین گزارشگران مقتل (کیفیت شهادت) سیدالشهدا(ع) آنانی بوده‌اند که در دل ماجرا حضور داشته و شاهد مستقیم آن بودند. سیدالساجدین امام علی بن حسین(ع) و زینب کبری(س) و نیز واقعه‌نگار امویان، حمید بن مسلم و برخی سپاهیان عمر بن سعد، از شاهدان عینی وقایع کربلا بودند که حوادث سرزمین نینوا را گزارش کرده‌اند. البته مقاتلی که درباره سیدالشهدا(ع) نوشته شده است، عموماً حوادث را از مرگ معاویه و بر تخت نشستن یزید پی گرفته‌اند و شهادت امام حسین(ع) و اسارت اهل‌بیت وی و نیز قیام‌های پس از شهادت ایشان را بازگو کرده‌اند. از این رو راویان بسیاری در شکل‌گیری مقاتل نقش داشته‌اند. گزارشی از میراث مکتوب موجود از این واقعه در کتابخانه‌های جهان، چند سال پیش منتشر شد و هزاران کتاب و رساله و مجموعه در این فهرست معرفی شده است» (بیگ باباپور و غلامیه، ۱۳۹۳: مقدمه).

در تأیید این سخن، [کتاب‌شناسی تاریخی امام حسین(ع)] از مستندات معتبر در این باره

محسوب می‌شود.

«از آنجاکه سپاهیان عمر بن سعد بن ابی وقاص مأمور دولت اموی بودند که یزید در رأس آن قرار داشت، می‌بایست گزارشی از کارهای انجام‌شده در جنگ نینوا را به گوش او برسانند؛ از این رو خود امویان با مباشرت حمید بن مسلم از دی شرحی از ماجراهای غم‌بار روز عاشورا را فراهم آوردند که در تاریخ اسلام مانده است» (جعفریان، ۱۳۸۱: ۷۴).

«امام باقر و صادق (ع) نیز گوشه‌هایی از حادثه عاشورا و مقدمات پیدایش آن مصیبت جانکاه را برای اصحاب خویش بازگو کرده‌اند. گفته شده قدیمی‌ترین مقتل مکتوب به اصبع بن نباته و یا فرزند وی قاسم تعلق داشته است. جابر بن یزید جعفی (درگذشته ۱۲۸ق) نیز کتابی موسوم به *مقتل الحسین (ع)* داشته است» (نجاشی، ۱۴۱۶ق: ۱۲۹).

«اگر ابی مخنف لوط بن یحیی را نیز از شیعیان به شمار آوریم که بسیاری از علمای شیعه بر این باورند، کتاب *مقتل الحسین (ع)* او نیز از کهن‌ترین آثار در این بحث به شمار می‌آید» (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۱۰۵)؛ البته مخالفت عجیبی نسبت به او در میان علمای اهل سنت وجود دارد (میرشریفی، ۱۳۶۹: ۷۴).

از سده دوم هجری تاکنون، یعنی سده پانزدهم، کتاب‌های بی‌شماری با نام مقتل، مقاتل و یا مصرع و نیز مصارع درباره حوادث عاشورا به نگارش درآمده است که همگی حادثه دهشتناک دهم محرم سال ۶۱ هجری را گزارش کرده‌اند. این حادثه چنان تلخ و ناگوار بود که حتی اهل سنت در نقل آن و محکومیت پدیدآورندگان این حادثه فجیع و جنایت‌شنیع، با شیعیان هم‌صدا و هماهنگ شده‌اند: محمد بن عمر واقدی (د. ۲۰۷ق)، ابو عبیده معمر بن مثنی (درگذشته ۲۰۹ق)، ابو عبیده قاسم بن سلام هروی (درگذشته ۲۲۴ق)، ابوالحسن علی بن محمد مدائنی (درگذشته ۲۲۵ق)، محمد بن سعد کاتب واقدی (درگذشته ۲۳۰ق) و ابن قتیبه دینوری (درگذشته ۲۷۶ق) همگی از بزرگان اهل سنت در سده سوم هجری بوده‌اند که کتابی در مقتل سیدالشهدا (ع) نگاشته‌اند (ابن ندیم، ۱۳۹۴: ۵۹، ۱۱۱ و ۱۱۳).

«سیر مقتل نویسی تبدیل به یک سنت ماندگار شد که نسل به نسل، سده به سده تداوم یافت و شیعه و سنی در آن مشارکت جستند. به جرئت می‌توان گفت هیچ مورخ نامداری در سراسر تاریخ اسلام نبوده که ماجرای شهادت سیدالشهدا(ع) را مستقلاً و یا ضمن آثارش اشاره نکرده باشد: محمد بن جریر طبری، ابن‌اعثم کوفی، ابوالحسن مسعودی، ابوالفرج اصفهانی، ابوالقاسم طبرانی، بلعمی، حاکم نیشابوری، ابوعلی مسکویه، موفق بن احمد خوارزمی و ابن‌جوزی، همگی از بزرگان اهل سنت در سده‌های سوم تا ششم هجری بوده‌اند که مستقلاً و یا ضمن آثار تاریخی، حوادث قیام سیدالشهدا(ع) را بازگو کرده‌اند و با این کار سنت مقتل نویسی را تداوم بخشیده‌اند» (مولایی، ۱۳۷۷: ۸۲-۹۵).

«در میان علمای شیعه نیز مقتل نویسی اهمیت داشته و بزرگانی چون شیخ صدوق، شیخ طوسی، سید بن طاووس (کتاب الماهوف علی قتلی الطفوف) و ابن‌نمای حلی (کتاب مثیر الأحزان) کتابی مستقل با نام مقتل الحسین(ع) نگاشته‌اند» (طوسی، ۱۳۵۶ق: ۲۳۷ و ۲۴۲؛ سید بن طاووس، ۱۳۸۳: مقدمه).

در سده‌های هشتم تا دهم هجری، سنت نگارش مقتل و آهنگ مقتل نویسی آهسته و کند شد که شاید مهم‌ترین علت آن از بین رفتن میراث کهن فرهنگی شیعیان و اهل سنت بر اثر حمله مغول بوده است؛ اما از سده دهم هجری و با آغاز حکومت صفویه، مقتل نویسی به دوران تازه‌ای درآمد و آهنگ آن تندی گرفت و در دوره قاجار چنان سرعتی یافت که طوفان مقاتل نویسی به راه افتاد (رنجبر، ۱۳۸۶: ۹۲-۹۴). مقتل نگاری شیعیان بازگوکننده تاریخ سرخ و خونین شیعه است که علما و مورخان شیعه برای پاسداشت بخشی از تاریخ شیعیان نگاشته‌اند.

۳. سید اردکانی

سید احمد بن محمد حسینی عریضی اردکانی محدث، فقیه، مورخ، فیلسوف و نسابه معروف سده ۱۳ هجری، از ذریه علی فرزند امام صادق(ع)، معاصر با فتحعلی شاه قاجار در سال ۱۱۷۵ قمری در اردکان یزد چشم به جهان گشود.

وی نخست در نزد سید ابوالحسن - نوه عموی پدرش - به تحصیل علوم ادبی و ریاضی و حکمی و شرعی اشتغال یافته، پس از آن رهسپار خراسان شده، مدتی در مجاورت آستان امام رضا(ع) فیض یاب بوده و فضلالی آن سامان از وجود او مستفیض شده‌اند. او مدتی در کربلا نیز رحل اقامت افکنده و درس فقه و اصول را در حوزه درس آقا باقر بهبهانی (م ۱۲۰۵ق) گذراند و دوره عالی حکمت و فلسفه را نیز در اصفهان در محضر آخوند ملا اسماعیل خواجه‌ویی اصفهانی و آخوند آقا محمد بیدآبادی آموخت. پس به یزد بازگشت و از مراجع آن دیار شد و ضمن حفظ منصب مرجعیت تقلید، به تقاضای بعضی از فضلا و امرا به تدریس پرداخت و در ضمن آن، بعضی نامالیقات از ابنای جنس دید و در آن هنگام به تألیف و ترجمه کتب و رسائل بسیار در موضوعات گوناگون فقه و حدیث و انساب و ادعیه و زیارات و احوال معصومین و پزشکی و اجتهاد و اخبار و تاریخ حکما و حکمت و اخلاق مشغول شد و آنگاه که عمرش به حدود شصت رسید، آرزومند تحصیل رضای خداوند بوده و تا حدود سال‌های ۱۲۳۸ حیات داشته است.

خویشان او نیز همه از فضلا و علمای عصر بوده‌اند و پسرعم پدرش مشهور به میرزا حکیم ریاضی، تصانیف بسیار در ریاضیات داشته. شاه سلطان حسین صفوی در اواخر دولت خود، او را به اصفهان طلبیده و تکلیف عمل رصد جدیدی نموده، آن سید فاضل به عذر پیری و اینکه عمر وی وفا به عمل رصد نمی‌کند تمسک جسته از خدمت تفصی یافته و فرزند فاضل عالم عامل کامل عارف عابد دین‌دارش میرزا ابوالحسن، استاد و مربی سید احمد اردکانی، مدتی راه عمل رصد مذکور را پیموده و انقلاب زمان فعلیت آن اراده را مانع شده است.

درباره میرزا حکیم ریاضی، شیخ عبدالنبی قزوینی می‌گوید: «میرزا حکیم والد مخدوم ما میرزا ابوالحسن اردکانی - دام ظلّه - از مشاهیر فضلا و معاریف آنان خصوصاً در علوم ریاضی است، در آن علوم به نهایت و بر پایه آنچه از علما و مشایخ به ما رسیده، از جمله فرزند اکرم امجد او - آدم الله ظلّه - به فراتر از نهایت دست یافته است» (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: ۱۶).

اردکانی درباره نسب و خاندان خود به تصریح در ترجمه محبوب القلوب اشکوری می‌گوید: «و بالجمله مترجم این کتاب مستطاب احمد بن محمد الحسینی العریضی به عرض برادران ایمانی و دوستان روحانی می‌رساند که سلسله نسب بنده حقیر به فخر سادات و مظهر و منبع سعادات، امامزاده لازم‌التکریم، علی بن الامام الهمام جعفر بن محمد الصادق - علیه‌السلام - می‌رسد که متون کتب اخبار و رجال از مدح او مملو و چهار امام را دریافته است و احادیث بسیار از برادر بزرگوار خود، حضرت امام موسی - علیه‌السلام - روایت نموده است و در خدمت آن حضرت، بسیار عزیز و مکرم و صاحب اسرار بوده است و بعد از آن، حضرت در پیروی و رضاجویی امام ثامن ضامن و حضرت جواد - علیه‌السلام - بذل جهد نموده است. و بالجمله در شأن و مرتبه از همه اولاد ائمه در پیش، و قرب و منزلتش نزد برادر و برادرزاده زاده برادرزاده از اولاد و احفاد خود ایشان بیش بوده است» (همان).

او را علی عریضی به واسطه آن گفته‌اند که در «عریض» که قریه‌ای است در چهارفرسخی مدینه ساکن می‌بوده؛ و یکی از احفاد آن سید بزرگوار مکنی به «ابوجعفر» از خوف دشمنان و شدت ایدای ایشان به طریق فرار به دارالعباده «یزد» آمده و در آنجا مخفی شده است و والی یزد - که یکی از دیالمه بوده است - به راهنمایی هادی سبل و راه‌نماینده کل - علیه‌وعلی‌آله‌السلام - به نحوی که در تاریخ مذکور است، بر احوال آن سید بزرگوار اطلاع به هم رسانیده و بعد از شرف‌یابی به فیض خدمتش، دختر خود را به او تزویج نموده و اولاد و احفاد آن سید بزرگوار در آن دیار بسیار گردیدند؛ و مزار آن سید در آن دیار به مزار "امامزاده جعفر" مشهور و بیماران علت جسمانی و نفسانی را موجب شفا و سرور است و آن سلسله‌علیه از آن زمان تا حال، عزیز و محترم و مظهر فضل و جود و کرم بوده‌اند» (همان).

«و آبای این ناتوان از آن بلده نقل به "اردکان" که قصبه‌ای است از قصبات آن بلده نموده در آنجا ساکن بوده‌اند، و ولادت این کمترین در آن قصبه اتفاق افتاده در روز جمعه، عاشورا، از

سال هزار و صد و هفتاد و پنج (۱۱۷۵) از هجرت، به طالع قوس، به وقتی که عطارد در برج اسد در تصمیم آفتاب و مشتری و زحل در حمل مقارن بوده‌اند.

و اقوام این ناتوان همه از فضلالی زمان و علمای دوران بوده و بحمدالله که هرگز دامان عرض خود را به منصبی از مناصب شرعی و عرفیه نیالوده‌اند، مگر آنکه پسر عم پدرم را که در میان فضلالی زمان به "میرزا حکیم ریاضی" مشهور بوده است و تصانیفش در این باب بسیار است و شاه سلطان حسین صفوی در اواخر دولت خود، او را به اصفهان طلبیده و تکلیف عمل رصد جدیدی نمود. آن سید فاضل به عذر پیری و اینکه عمر من وفا به عمل رصد نمی‌کند تمسک جسته از خدمت تفصی جست و فرزند فاضل عالم عامل کامل عارف عابد دین‌دارش میرزا ابوالحسن - طاب ثراه و جعل الجنة مثواه - که استاد و مربی کمترین بود، مدتی راه عمل رصد مذکور را پیمود و انقلاب زمان فعلیت آن اراده را مانع شد؛ و در سالی که این ذره بی‌مقدار در نوبت اولی منظور نظر خجسته‌اثر خورشید آسمان سلطنت و سلطان سریر خلافت گردید در آن عالی‌مجلس، مجال مجالست دید، اظهار آنکه در خاطر چنین اراده پنهان است نمود، جوابی که موجب حصول امنیت تواند شد نشنود.

و بالجمله: کمترین در اول سن در خدمت آن فاضل دین‌دار و آن سید عالی‌مقدار، که هم معلم بود و هم پرستار، به تحصیل علوم ادبیه و ریاضیه و حکمیه و شرعیه اشتغال نمود و بعد از آن از این سامان نقل به خراسان نمود. مدتی از مجاورت آستان عرش‌نشان ضامن غریبان، فیض‌یاب و فضلالی آن سامان را زحمت‌رسان بود.

چون مراجعت به این دیار کرد، به تکلیف بعضی از فضلا و امرا گرفتار شغل تدریس گردید و در ضمن آن بعضی نامالیقات از ابنای جنس دید، و در آن اوقات رساله‌ای در اجتهاد و اخبار موسوم به طریقه بیضاء در سلک تألیف کشید و آن اول کتابی بود که حقیر تألیف نمود؛ و بعد از آن به خواهش یکی از دوستان، ترجمه، بلکه شرحی به لغت فارسی بر کتاب جامع السعادات در علم اخلاق که تألیف فاضل عالم عامل ربانی مهدی بن ابی ذر نراقی کاشانی

- رحمه الله - بود نوشت؛ و بعد از آن به راهنمایی قائد توفیق به فکر تألیف کتابی افتاد که مشتمل باشد بر ذکر جمیع احوال و اقوال امام متقیان و پیشوای شیعیان و امیرمؤمنان و وصی برحق پیغمبر آخرالزمان، الامام الغالب الطالب، امیرالمؤمنان علی بن ابی طالب و طرح آن کتاب را بر ده مجلد ریخت، هر مجلدی به قدر ده هزار بیت و آن کتاب را به سرورالمؤمنین موسوم گردانید؛ و بحمدالله تعالی که تا به حال شش مجلد آن صورت اختتام پذیرفته و سروررسان خاطر مؤمنان گردیده و امیدواری از برکت باطن فیض موطن آن حضرت این است که عمر وفا نماید و توفیق رفیق گردد تا چهار مجلد دیگر، چنان که در نظر است، جلوه‌گر ساحت ظهور گردد؛ و در خلال آن، تألیف کتابی دیگر مشتمل بر آنچه در احوال امام زمان و خلیفه الرحمن امام ثانی عشر - علیه صلوات الله الملك الأكبر - وارد شده است در سلک تألیف کشید؛ و کتابی دیگر در احوال خامس ائمه هدی و باقر علوم انبیا - علیه صلوات الله - نوشت؛ و همچنین در احوال موسی بن جعفر - علیهما السلام - نیز کتابی پرداخت.

و به خواهش یکی از مؤمنات، کتابی در تعزیه حضرت امام شهید غریب ترتیب داد به اسلوبی تازه که مشتمل است بر ذکر مصائب آن سرور و موسوم است به ضیاء العیون و فی الحقیقه در فن خود کامل و تمام است؛ و این کتاب غیر از کتاب کبیری است که حقیر در احوال آن امام غریب شهید نوشته و آنچه در آن باب ماثور بوده در آن درج نموده؛ و از مؤلفات حقیر شرحی است بر شرائع الاسلام که به طریق استدلال نوشته شده و تا حال تحریر این کتاب بیش از شرح کتاب طهارت آن محرر نگشته؛ و دیگر از مؤلفات حقیر رسائل و کتب چندی است که درک تفصیل آن‌ها به طول مؤدی می‌گردد، مثل شرح کتاب مختصر النافع و شرح زیارت جامعه کبیره که با وجود وجازت و اختصار، بر مطالب و معانی بسیار مشتمل است و شرح کتاب اسباب و علامات نفیسی، و کتابی دیگر در طب و ترجمه زیارات و دعوات و غیرها؛ و الحال که سنین عمر با مصحفش قرین گردیده، یعنی مراحل زندگانی به شصت رسیده و قوا را ضعف حاصل شده و حواس از افعال به هرنحوی که باید عاطل مانده، اگر خیالی به جز تدارک مافات نماید،

خطاست و اگر گاهی برای تحصیل گامی بردارد هرزه‌گردی و بیجاست و امیدواری از الطاف باری آن است که عواقب امور را به خیر مقرون گرداند و اگر از عمر چیزی مانده است در تحصیل رضای خودش به آخر رساند...» (همان: ۹۱).

اردکانی از نخستین کسانی است که در زمان خود، به مبارزه با شیخیه پرداخت؛ چنان‌که نقل است که هنگام ورود شیخ احمد احسائی به یزد، وی به استقبال او نرفت و پس از تکفیرش از سوی شهید ثالث، به مبارزه جدی با او و پیروانش پرداخت (ر.ک: محدث قمی، ۱۳۵۹ق، ج ۲: ۱۳-۱۴؛ بیهقی، ۱۴۲۸ق: ۱۲۴؛ لکهنوی، ۱۴۰۶ق: ۴۱۸).

۴. دیگر آثار نویسنده

سید احمد اردکانی علاوه بر روضه حسینیة مؤلفات مهم دیگری نیز دارد؛ از جمله: ۱. ترجمه بحار الانوار علامه مولی محمدباقر مجلسی، سرگذشت امام محمدتقی و امام علی نقی و امام حسن عسکری(ع)؛ ۲. ترجمه اکمال‌الدین و اتمام النعمه شیخ صدوق محمد بن علی بن بابویه قمی؛ ۳. ترجمه عوالم العلوم ملا عبدالله بحرانی: سرگذشت حضرت فاطمه زهرا(س) و امام زین‌العابدین و امام محمدباقر و امام جعفر صادق(ع)؛ ۴. ترجمه الارشاد شیخ مفید در احوال معصومین(ع)؛ ۵. ترجمه عیون اخبار الرضا(ع) تألیف شیخ صدوق؛ ۶. سرور المؤمنین در زندگانی امیرالمؤمنین(ع) و فضایل آن حضرت در ۱۴ جلد. اردکانی قصد داشت این اثر را در قالب ۱۰ مجلد بنویسد؛ ۶ جلد آن را تا ۶۰ سالگی خود فراهم می‌کند، به سبب استقبال مخاطبان، بعد از جلد هفتم، هفت جلد دیگر به آن می‌افزاید و به محمدولی میرزا حاکم یزد تقدیم می‌کند. در برخی از منابع ۷ جلد اخیر (جلد ۸ در سیره امام حسین(ع)، جلد ۹ در سیره امام کاظم(ع)، جلد ۱۰ در سیره حضرت مهدی(عج)، جلد ۱۱ در سیره حضرت زهرا(س)، جلد ۱۲ در سیره امام سجاده(ع)، جلد ۱۳ در سیره امام باقر(ع) و جلد ۱۴ در سیره امام صادق(ع))، تحت عنوان تدبیل سرور المؤمنین و گاه به عنوان آثاری مستقل معرفی شده و از ۷ جلد نخست با نام کفایة

الطالب یاد شده است (اشکوری، ۱۳۸۰: چهل و چهار). اردکانی در مقدمه روضه حسینی (برگ ۱-۲) درباره این کتاب و مسائل مربوط به آن مفصل صحبت کرده است (ر.ک: بخش معرفی این اثر)؛ ۷. فضائل شیعه / فضائل صلوات علی النبی و آله / شرح صلوات؛ ۸. ترجمه کفایه الاحکام ملا محمدباقر سبزواری (نکاح و طلاق و ایلاء وظهار و لعان)؛ ۹. ترجمه مبدأ و معاد ملا صدرای شیرازی؛ ۱۰. منتخب الزیارة یا معین الزائر (در ادعیه و آداب زیارت قبور متبرکه)؛ ۱۱. تلخیص شرح الاسباب نفیسی در طب؛ ۱۲. مرآت الاکوان در حکمت طبیعی و حکمت الهی به مثابه تحریر شرح الهدایه ملاصدرای شیرازی (این کتاب چاپ شده است)؛ ۱۳. ترجمه محبوب القلوب قطب‌الدین اشکوری لاهیجی در تاریخ حکما و ائمه دین و علما (این اثر نیز نشر یافته است)؛ ۱۴. ترجمه جامع السعادات ملا مهدی نراقی در اخلاق؛ ۱۵. شرح کتاب مختصر النافع در فقه؛ ۱۶. شرح شرائع الاسلام به طریق استدلالی، بخش طهارت؛ ۱۷. شرح زیارت جامعه کبیره. ۱۸. طریقه بیضاء در اجتهاد و اخبار. ۱۹. ضیاء العیون در رثاء امام حسین(ع)؛ ۲۰. ترجمه دعوات؛ ۲۱. الانساب المشجرة یا شجرة الاولیاء در علم انساب و تواریخ پیامبران و ائمه و تمامی اولاد و اعقاد آنها، که وی این کتاب را از امام دوازدهم آغاز نموده و سلسله نسب حضرت ایشان را تا به حضرت آدم(ع) رسانده است؛ ۲۲. احوال امام حسین(ع)؛ ۲۳. احوال امام موسی بن جعفر(ع)؛ ۲۴. احوال امام زمان(ع) و رسائل دیگر (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: نوزده تا بیست و دو).

۵. روضه حسینی

یکی از مهم‌ترین آثار ارزنده سید احمد اردکانی، کتاب روضه حسینی است که وی در این اثر خود، سرگذشت امام حسین(ع) و وقایع حزن‌انگیز کربلا را در هجده باب نوشته و در آن به بسط و تفصیل واقعه کربلا با استفاده از روایت‌های متعدد از کتب معتبری چون الارشاد شیخ

مفید، احتجاج ابومنصور شیخ احمد طبرسی، إعلام الوری فضل بن حسن طبرسی، الامالی للشیخ الصدوق، کشف العتمه ابوالحسن علی آربلی و... پرداخته است.

اردکانی درباره نوشتن کتاب روضه حسینیة، در مقدمه این اثر، اظهار داشته که پیش از پرداختن به این کتاب، مشغول تدوین و تألیف کتابی به نام سرور المؤمنین فی مناقب علی بن ابی طالب بوده است و در دیباچه آن متعهد شده بود که بعد از اتمام ده مجلد آن کتاب به تألیف و تصنیف چند کتاب دیگر پردازد و هرکدام از آنها را به نام نامی لقب گرامی یکی از ائمه معصومین (ع) موشح و مزین سازد:

«...اما بعد چنین گوید امیدوار به مرحمت مهیمن یکتا و آرزومند به شفاعت حضرت سیدالشهداء، احمد بن محمد حسینی - عفی عنها - که چون در دیباچه کتاب موسوم به کتاب سرور المؤمنین فی مناقب علی بن ابی طالب، امیر المؤمنین - علیه الصلوة والسلام - به زبان قلم خجسته رقم، وعده شده بود که اگر خدا خواهد و قافله توفیق راهنمایی نماید، بعد از انجام تمام ده مجلد آن کتاب که مجموع آن مقصور است، بر ذکر مناقب و مآثر امام متقیان و امیرمؤمنان - علیه صلوات الله الملك الرحمن - به تألیف و تصنیف چند کتاب پردازد و هر یک از آنها را به نام نامی و لقب گرامی یکی از ائمه معصومین - صلوات الله علیهم اجمعین - موشح و مزین سازد...» (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: برگ ۱).

که هدف آن گردآوری روایات مختلف درباره «حالات و بعضی معجزات و کرامات و قدری از احوال آن بزرگوار، از قبیل ولادت و زمان رحلت و نصوص برائت و امثال آن» بوده، «به نهجی که جامع باشد جمیع آنچه را که اصحاب ما در کتب معتبره ایراد نموده‌اند و بر صحت و صدق آن حجج و شواهد اقامه فرموده‌اند؛ تا اینکه مطالعه کنندگان را بدون مقاسات رنج و لعب از مطالعه آن حظی وافر و نصیبی کامل حاصل گردد» (همان: برگ ۱).

تا اینکه وی بعد از اتمام پنج مجلد مناقب امیر المؤمنین (ع)، به خواهش یکی از دوستان صدیق و صمیمی خویش به نام میرزا مظفر حسین، ملقب به میرزاخان، نگارش آن اثر را متوقف

نموده و به تألیف روضه حسینی روی آورده است.

«و در این اوقات که پنج مجلد از آن کتاب، صورت اختتام پذیرفته به یاری قلم دو زبان، بیان غزوات آن امام همام به انجام رسید؛ یکی از دوستان صداقت‌بنیان که رابطه مودتش با این بی‌بضاعت به عرق قرابت در سیادت مستحکم است ... میرزا مظفر حسین الملقب به میرزاخان - طاب‌الله ثراه و جعل الجنة مثواه - در مقام خواهشمند مذکور نمود که هرگاه پیش از اتمام تمام کتاب مذکور، نخست به تألیف کتابی التفاف رود که مشتمل باشد بر احوال امام سعاد و سیدالشهدا و وارث اصحاب کسا و یکه‌سوار عرصه کربلا، حجة‌الله علی الخافقین ابو‌عبدالله الحسین - صلوات‌الله علیه و علی آبائه و ابنائه - شاید از رهگذر اینکه شیعیان عزادار و سوخته‌دلان اشک‌بار، که پیوسته در مجلس عزای آن سرور نشسته و کمر به عزای آن بزرگوار بسته‌اند از آن منتفع شده، فایده‌اش بیشتر عاید گردد...» (همان: برگ ۲).

وی بعد از پذیرش درخواست آن سید والامقام، امیدوار است که «...اگر خدا خواهد و در آینه تقدیر صورت انجام آن عکس‌پذیر بوده باشد، کتابی باشد مشتمل بر ذکر بدو و کیفیت ظهور و بیان حلیه و شمایل و نقل معجزات و فضایل و ذکر اخلاق و شیم و قصه مسافرت آن امام امم به جانب کربلا و آنچه در راه و در آن صحرا بر آن سرور و سایر لشکر خجسته‌اثر وارد گردید بر وجهی که از هیچ‌یک از اصحاب به این جامعیت تألیفی شنیده نشده باشد و در ذیل آن به برخی از ظلم و ستم‌ها که از گروه اشرار نسبت به پرده‌گان سراق عزت و جلال اتفاق افتاده، اشاره خواهد رفت...» (همان: برگ ۲).

وی در ادامه سخنش، خود را ملزم می‌دارد که از نقل مطالبی را که روضه‌خوانان و معرکه‌گیران برای گرمی و رونق بازار خود درباره وقایع کربلا و حوادث عاشورا به هم بافته‌اند و در کتب تواریخ عامه سخنان کفرآمیز بیان کرده‌اند، پرهیز نماید.

اردکانی در این گفتار خود، به اثر یا آثار نویسندگان و نیز معرکه‌گیران روضه‌خوانان خاصی اشاره نکرده و سعی نموده است به کتب معتبره که خود در جای‌جای کتابش اسم و نویسنده و

روایت مستندات خود را آشکارا بیان می‌کند، اشاره نماید؛ چنان‌که می‌گوید: «در خود لازم گردانید که در نقل این امور، به آنچه در کتب معتبره مذکور است، اقتصار نماید و به آنچه روضه‌خوانان و معرکه‌گیران برای گرمی هنگامه خویش به هم بافته‌اند که آثار کذب و افترا از فحای آن لایح است و یا در کتب تواریخ عامه یافته‌اند که علامت تعصب و عناد، بلکه نصب و الحاد از مطاوی آن واضح است، التفات ننمایید...» (همان: برگ ۲).

وی سرانجام «کتاب مذکور را به مناسبت نام نامی و اسم سامی آن عالی‌جاه به روضه حسینیة موسوم گردانید» (همان: برگ ۲).

سید احمد اردکانی این کتاب را با زبانی ساده و روان در هجده باب نوشته و بعضی از باب‌ها را به فصل‌هایی منقسم کرده است؛ چنان‌که باب اول را در پنج فصل، باب دوم و چهارم در ۲ فصل، باب پنجم و ششم را در ۳ فصل و باب یازدهم را در ۵ فصل و باب هفده را نیز در ۲ فصل با ۴ رتبه تقسیم‌بندی کرده است.

۶. ابواب روضه حسینیة

باب اول

در ذکر ابتدای نور و کیفیت ظهور آن برگزیده خالق غفور در این عالم و در عالم نور و در آن پنج فصل است: فصل اول، در ذکر ابتدای نور آن حضرت؛ فصل دوم، در ذکر حمل و ولادت و رضاع آن مقدمه اهل سعادت؛ فصل سوم، در تاریخ ولادت و بیان اسم و لقب و کنیت آن مولود باسعادت؛ فصل چهارم، در ذکر بعضی از برکت‌ها بر ولادت آن مولود کثیرالسعادت؛ فصل پنجم، در ذکر حلیه و شمایل و نقش خاتم آن بزرگوار.

باب دوم

در ذکر مناقب و فضایل و بیان معجزات آن حضرت و در آن دو فصل است: فصل اول، در ذکر مناقب و فضایل؛ فصل دوم، در ذکر بعضی از معجزات آن سرور.

باب سیم

در ذکر محاسن اوصاف و مکارم اخلاق آن زبده آفاق - صلوات‌الله و سلامه علیه -

باب چهارم

در ذکر نص بر خلافت و بیان بعضی از احتیاجات آن حضرت است و در آن دو فصل است: فصل اول، در ذکر نص بر خلافت و امامت آن سرور؛ فصل دوم، در ذکر بعضی از احتیاجات آن حضرت که بر منکران و مخالفان ملت و غاصبان خلافت نمود.

باب پنجم

در ذکر خبر دادن خداوند علی اعلی پیغمبران و اولیای خود را به شهادت آن سرور در زمین کربلا و در آن سه فصل است: فصل اول، در ذکر خبر دادن پیغمبران سلف - علی نبینا و آله و علیهم صلوات‌الله اجمعین -؛ فصل دوم، در ذکر خبر دادن پیغمبر آخرالزمان - صلوات‌الله و سلامه علیه و آله - به آن مصیبت جانستان؛ فصل سیم، در ذکر اخباری که از رسول خدا - صلی‌الله علیه و آله - و علی مرتضی و باقی اصحاب عبا - صلوات‌الله علیهم - در بیان واقعه کربلا وارد شده است.

باب ششم

در ذکر آنچه بر آن حضرت وارد آمد از وقتی که مردم با یزید پلید بیعت کردند تا وقتی که از مکه روانه عراق گردید. در آن سه فصل است: فصل اول، در ذکر حدیثی که ابن‌بابویه در کتاب *مالی* به سند متصل از عبدالله بن منصور روایت کرده است. فصل دوم، در ذکر بیرون رفتن آن حضرت از مدینه مشرفه به سوی مکه معظمه؛ فصل سیم، در ذکر فرستادن سید جلیل، مسلم بن عقیل را به جانب کوفه و شهادت آن بزرگوار.

باب هفتم

در ذکر روانه شدن سیدالشهدا - صلوات‌الله علیه - از مکه معظمه به جانب عراق به عزم مقاتله با اعدا.

باب هشتم

در ذکر تاریخ شهادت و مدت عمر شریف آن سرور و بیان بعضی از احوال اصحاب کرام آن امام والامقام.

باب نهم

در ذکر احوال اهل بیت طاهرین در وقت دخول کوفه تا وقتی که از کوفه بیرون آمدند و ذکر رسیدن خبر شهادت به مدینه مشرفه.

باب دهم

در ذکر خروج اهل بیت از کوفه به جانب شام و آنچه در راه و در آن شهر محنت فرجام اتفاق افتاد.

باب یازدهم

در بیان آنکه مصیبت آن حضرت از تمام مصیبت‌های عالم عظیم‌تر بود و بیان گریستن آسمان و زمین و آفتاب و ماه و ملائکه و جن و وحوش و طیور در این مصیبت عظمای دوراهیة کبری و در آن پنج فصل است: فصل اول، در ذکر اخبار و آثاری که دلالت می‌کند بر گریستن هر چیزی بر آن حضرت بر سبیل کلیت؛ فصل دوم، در ذکر گریستن ارض و سما و باریدن خون از آسمان در این مصیبت عظمی؛ فصل سوم، در ذکر گریستن ملائکه و فریاد ایشان نزد خداوند عالمیان و فرستادن آن‌ها را به نصرت شاه شهیدان؛ فصل چهارم، در ذکر نوحه و گریه جنیان بر آن شهیدان؛ فصل پنجم، در ذکر گریه و ناله و وحوش و طیور و اشجار و نبات و آنچه مناسب آن است.

باب دوازدهم

در ذکر آنچه بعد از شهادت آن حضرت رو داد از گریستن پیغمبران و ائمه و حضرت فاطمه زهرا - صلوات الله علیهم اجمعین - .

باب سیزدهم

در ذکر اینکه مصیبت آن حضرت اعظم از جمیع مصائب است و رد بر کسی که گمان کرده است که آن حضرت کشته نشد و بیان آنکه چه حکمت بود در اینکه خدا و دشمنان ائمه - علیهم‌السلام - را فرصت این همه مهلت ظلم کردن داد و ایشان را در همان لحظه نگرفت.

باب چهاردهم

در ذکر ثواب گریستن بر آن حضرت و سایر ائمه - علیهم‌السلام - و ثواب مرثیه خواندن و شعر گفتن در این مصیبت.

باب پانزدهم

در ذکر آنچه وارد شده است در کفر قاتلان آن حضرت و وجوب لعنت نمودن بر آن قوم و عاقبت و شدت عذاب آن‌ها در آخرت.

باب شانزدهم

در ذکر احوال ازدواج و اولاد و عشایر آن حضرت - صلوات‌الله و سلام‌علیه - است.

باب هفدهم

در ذکر احوال مختار بن ابی‌عبیده ثقفی - رحمه‌الله‌علیه - و در آن دو فصل است: فصل اول، در تحقیق احوال مختار و آنچه در مدح و ذم او وارد شده است؛ فصل دوم، در ذکر آنچه بر دست مختار و اصحاب او جاری گردید.

باب هجدهم

در ذکر آنچه متعلق است به قبر مطهر آن حضرت.

وی در مطاوی این فصل‌ها برای نقل هر موضوعی، ضمن روایت مطالبی از کتب متعدد معتبر از اقوال صاحب‌نظران در مسائل دینی، اسلامی و شیعی مربوط به پیامبر اکرم (ص) و ائمه معصومین (ع) به‌ویژه وقایع کربلا و شهادت جان‌گداز حضرت سیدالشهدا (ع) و یاران باوفایش

در مصاف با دشمنان دین و امامت و ولایت، در نهایت به نقد و تحلیل آن‌ها می‌پردازد که این خود، نشان از عمق دانش و اطلاعات و احاطه مؤلف بر مسائل دینی و مذهبی بوده است. اردکانی در تألیف کتاب، حوادث را براساس ترتیب وقوع آن‌ها ذکر کرده است. همان‌طور که ذکر شد، وی روضه حسینیة را به ۱۸ باب و هرکدام را بنا به موضوعات زیرمجموعه به فصولی تقسیم کرده است. در هر یک از این فصول و زیرمجموعه‌ها روایات و احادیثی را از منابع مختلف ذکر می‌کند. این منابع گاه نام فرد، گاه نقل از یک کتاب و گاه برداشت‌ها و تفسیرهایی از زبان خود اردکانی است؛ چنان‌که در فصل دوم از باب اول درباره ولادت حسنین (ع) با نقل روایتی از کتب معتبر، مبنی بر اینکه در زمان وضع حمل حضرت فاطمه (س)، پیامبر (ص) در مسافرت بوده و در مورد ولادت و تغذیه آن دو عزیز همام، سفارشات را فرموده بودند.

حضرت فاطمه (س) بعد از تولد امام حسن (ع) بعد از گذشت سه روز، «از رهگذر مادری بر او شیر می‌دهد و بعد از مراجعت رسول خدا، اظهار می‌دارد که شفقت مادری مرا واداشت که به او شیر دادم و آن حضرت فرمودند که: خدا نمی‌کند مگر آنچه را که خود می‌خواهد» (همان: برگ ۸).

و اما درباره امام حسین (ع) نیز حضرت فرمودند: «ای فاطمه! زود باشد که از تو پسری متولد شود و جبرئیل تهنیت آن را به من رسانیده. پس او را شیر مده تا اینکه من نزد تو بیایم، اگرچه یک ماه بگذرد. فاطمه عرض کرد که: چنین خواهم کرد... و رسول خدا به سفری رفت. پس چون امام حسین متولد شد، فاطمه - صلوات الله علیها - او را شیر نداد تا اینکه رسول خدا - صلی الله علیه و آله - از سفر آمد و پرسید که: چه کردی؟ عرض کرد که: او را شیر ندادم. پس آن مولود مبارک را گرفت و زبان معجزیانی خود را در دهان او گذاشت و حضرت امام حسین - علیه السلام - او را می‌مکید تا اینکه رسول خدا فرمود که: بس است ای حسین! پس فرمود که: نمی‌کند خدا مگر آنچه را که خود می‌خواهد. امامت در تو و اولاد تو خواهد بود» (همان: برگ ۸).

و اینجاست که اردکانی در صحت و سقم آن چنین بیان می‌دارد: «مؤلف گوید که: مضمون این چیز منافات دارد با اخبار و احادیث دیگر که از این اصح و اشهر و اکثرند؛ زیرا که از آن‌ها معلوم می‌شود که در وقت ولادت باسعادت حسنین - صلوات‌الله علیهما - جناب رسالت - صلوات‌الله علیهم - در مدینه تشریف داشتند و هر دو مولود بعد از ولادت، بی‌فاصله به شرف خدمت آن حضرت مشرف شدند و چون در کتب معتبره ایراد شده بود، ما نیز در اینجا ایراد نمودیم، والعلم عندالله تعالی» (همان: برگ ۸).

و در جایی دیگر نیز سید احمد اردکانی دربارهٔ مسخ دشمنان امت پیامبر اکرم (ص) چه به صورت بوزینه و چه خوک براساس آیه قرآنی «قَالُوا رَبَّنَا آمَنَّا اِنتَیْنِ وَأُحْبَبَتْنَا اِنتَیْنِ فَأَغْرَفْنَا بِدُنُوبِنَا فَهَلْ اِلَیْ خُرُوجٍ مِنْ سَبِیْلِ» و با استناد به روایت نعمانی در کتاب تسلی از امام جعفر صادق (ع) اینکه دشمنان اهل بیت اذعان دارند «چون وقت مردن کافر شود رسول خدا - صلوات‌الله علیهم - و علی مرتضی - علیه‌السلام - و جبرئیل - علیه‌السلام - و ملک‌الموت - علیهم‌السلام - به نزد او حاضر می‌شوند... پس روح او را به شدت و عنف از بدن او بیرون می‌کشند و یکصد شیطان را بر روح او موکل می‌گردانند که آب دهان بر روی آن اندازند و از بوی بد او متأذی می‌گردند. پس چون او را در قبر می‌گذارند، دری از درهای جهنم را بر قبر او می‌گشایند که از آنجا بوی جهنم و شعله‌های آن بر او داخل گردد، پس روح او را می‌برند به کوه‌های برهوت، پس او را در موجودات مرکبه می‌گردانند، بعد از آنکه او را در هر مسخ‌شده‌ای و غضب‌شده‌ای گردانیده‌اند تا اینکه قائم ما - علیه‌السلام - ظاهر گردد و خدا آن مرد را مبعوث گرداند و آن حضرت او را گردن زند» (همان: ۲۰۱).

اردکانی در این مورد چنین می‌گوید: «ظاهر این حدیث غریب دلالت می‌کند بر اینکه دشمنان اهل بیت به صورت بوزینه و خوک در ظاهر مسخ می‌گردند و اشکالی در این حدیث به اعتبار وقوع مسخ نیست؛ زیرا که در امت‌های سابق مسخ بوده و قرآن بر آن دلالت صریح دارد و این قدر هست که منافات دارد به حسب ظاهر با حدیثی که در آن امت مرحومه به اعتبار مرتبه

پیغمبر ایشان - صلی الله علیه و آله - مسخ واقع نمی شود و می توان گفت که: دشمنان اهل بیت امت آن حضرت نیستند و کرامت و شفاعت آن حضرت، شامل ایشان نمی گردد و این معنی از احادیث بسیار مستفاد می گردد...» (همان: برگ ۲۰۱).

سید احمد اردکانی را باید یکی از نخستین مترجمان بخش های زیادی از کتب مقاتل، همچون لهوف نوشته سید ابن طاوس (۵۸۹-۶۶۴ق)، الخرائج و الجرائح نوشته قطب الدین راوندی (م ۵۷۳ق)، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الاثنی عشر نوشته ابوالقاسم علی بن محمد بن علی خزاز قمی رازی (سده ۴ق)، شیر الأحزان اثر شیخ نجم الدین جعفر بن محمد بن جعفر بن هبة الله بن نما حلی (م ۶۴۵ق) و... در قیاس با ترجمه های چاپ شده آنها دانست که با نثری ساده و روان به زبان فارسی، مطالب مورد استناد خود را درباره موضوعات مربوط به واقعه کربلا و روز عاشورا و حوادث آن ارائه داده است. برای مثال، از قدیمی ترین و به ظاهر نخستین ترجمه ای که تاکنون از لهوف سید بن طاوس شناخته شده، کتاب لجة الألم فی حجة الأمم به قلم رضاقلی خان شقاقی سرابی، شاعر و تاریخ نویس دوره قاجار و از منشیان ناصرالدین شاه است که در سال ۱۲۳۹ش به خط نستعلیق نگاشته شده و به وسیله رضا مستوفی تصحیح و تحقیق شده است.

از کتاب روضه حسینیة تاکنون دو دست نویس - تا آنجا که نگارندگان تفحص کرده اند - شناخته شده که هر دو در کتابخانه های ایران محفوظ است:

۱. نسخه خطی مجلس شورای اسلامی به شماره ۱۳۷۸۲، که کاتب، محمدحسن بن حاجی محمدابراهیم بن حاجی عبدالغفور یزدی، از روی دست نویس مؤلف اثر مربوط به تاریخ ۱۲۲۸ق در مورخه چهارشنبه ۱۱ ذی حجه ۱۲۷۲ق در ۲۵۰ برگ به خط نستعلیق، کتابت کرده است (درایتی، ۱۳۸۹، ج ۵: ۱۰۳۹).

۲. نسخه خطی کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران به شماره ۱۹۵۰، محمد بن حاجی عبدالرحیم رفایی، آن را به خط شکسته نستعلیق، در مورخه پنجشنبه ۲۸ محرم ۱۲۴۸ق در ۲۳۹ برگ نوشته است (دانش پژوه، ۱۳۳۹، ج ۸: ۵۲۵-۵۶۶).

۷. شیوه نگارش و ویژگی‌های نثر کتاب روضه حسینیّه

«بسیاری از مهم‌ترین آثار مشهور قرون اولیه ادب فارسی، آثار ترجمه‌شده از زبان عربی هستند. ترجمه شفاهی عربی به فارسی از همان نخستین برخوردها میان دو قوم پدید آمد. نخستین متونی که به فارسی ترجمه شدند، قرآن و کتبی با موضوعات دینی بودند» (آذرنوش، ۱۳۷۵: ۲۰).

شیوه نگارش اردکانی در روضه حسینیّه، ترجمه و گردآوری اسناد از متون و کتب معتبر دینی است. بسیاری از این کتب به زبان عربی نگاشته شده‌اند و اردکانی برای استفاده از این متون در کتاب خود آن‌ها را ترجمه کرده است. او همچنین در این کتاب آیات، احادیث، ابیات و روایات را ترجمه کرده و گاه توضیحی برای آن ارائه داده است. در مواردی، اردکانی برای تمیز دیدگاه خود در متن، از عنوان «مؤلف گوید» استفاده کرده است و در مواقعی نیز در ادامه متن، نظر خود را بیان می‌دارد. او در ترجمه خود به متن اصلی بسیار وفادار است و با استفاده از ترکیبات بدیع، به ترجمه خود رنگ و بوی ادبی و هنری داده است و در عین حال شیوه زبانی وی در این اثر، ساده و روان است.

– ترجمه آیات

«روزی عمرو عاص به آن حضرت (امام حسین ع) گفت که: ... به چه سبب، ریش‌های شما انبوه و بسیار است و ریش‌های ما کم؟ آن حضرت این آیه را در جواب تلاوت فرمود: وَالطَّبَّ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكْدًا...»

یعنی هر زمینی که پاکیزه و نیکوست گیاه از آن می‌روید به اذن پروردگار و هر زمین که خبیث و بد است، از آن گیاه نمی‌روید، مگر اندک (همان: برگ ۳۰).

– ترجمه شعر

وَقَدْ ذَبَحُوا الْحُسَيْنَ وَلَمْ يَرَأَوْا جَنَابَكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ فِينَا

به تحقیق که سر بریدند حسین – علیه الصلوة والسلام – را و حرمت تو را [ای رسول خدا] در حق ما هیچ رعایت نکردند (همان: برگ ۱۷۱).

– ترجمه متون و اسناد

«وَلَمْ يَرْضِعِ الْحُسَيْنُ مِنْ فَاطِمَةَ عَ وَلَا مِنْ أُمَّتِي كَانَ يُؤْتَى بِهِ النَّبِيُّ فَيَضَعُ إِيَّاهَا فِي فِيهِ فَيَمَصُّ مِنْهَا مَا يَكْفِيهَا الْيَوْمَيْنِ وَالثَّلَاثَ فَتَبَتَ لَحْمُ الْحُسَيْنِ عَ مِنْ لَحْمِ رَسُولِ اللَّهِ وَدَمِهِ وَ لَمْ يُوَلِّدْ لِسِتِّهِ أَشْهُرًا إِلَّا عَيْسَى ابْنَ مَرْيَمَ عَ وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَ. وَ فِي رِوَايَةٍ أُخْرَى عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَاعَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى صَ كَانَ يُؤْتَى بِهِ الْحُسَيْنُ فَيَلْقِمُهُ لِسَانَهُ فَيَمَصُّهُ فَيَجْتزِي بِهِ وَ لَمْ يَرْضِعْ مِنْ أُمَّتِي» (اصول کافی، ج ۱: ۴۶۵).

«و شیخ کلینی به سند مرسل، از حضرت امام جعفر صادق – علیه السلام – روایت کرده است که: حضرت امام حسین از فاطمه – صلوات الله علیها – و از هیچ زنی شیر نخورد و رسول خدا – صلی الله علیه و آله – به نزد او می آمد و افامم خود را در دهن او می گذاشت و او از آن می مکید به قدری که دو روز و سه روز او را کفایت می کرد. پس گوشت آن حضرت از گوشت و خون حضرت رسالت روید و هیچ طفلی در شش ماه متولد نشد، مگر عیسی بن مریم و حسین – علیهم السلام – و در روایت دیگر از حضرت امام رضا – علیه السلام – روایت کرده که: حضرت رسالت زبان خود را در دهان او می گذاشتند و او می مکید و از هیچ زنی شیر نخورد» (حسینی اردکانی، ۱۳۷۵: برگ ۴۲).

– گاه روایتی را آورده و بعد از ترجمه آن توضیحی درباره ترجمه خود می دهد

«...و ماییم رعایت کنندگان آفتاب خدا و ماییم ذریه رسول خدا... مؤلف گوید که: بعضی از اصحاب ما فقره سحن رعاة شمس الله که ما آن را به رعایت کنندگان آفتاب خدا ترجمه نمودیم. به این طریق معنی کرده است که ما پیوسته در کمین آفتابیم برای حفظ اوقات و فریضه ها و نافل ها و شاید از آن معنی دیگر توان فهمید که مقام مقتضی ذکر آن نیست» (همان: برگ ۳).

درباره وصیت امام حسن (ع) مبنی بر جانشینی و امامت حضرت امام حسین (ع) بعد از وی و ذکر گفت و گوی امام حسن (ع) با محمد بن علی به نقل از اعلام السوری طبرسی در این مورد

می‌گوید: «مؤلف گوید که نصوص بر امامت آن حضرت، مشهور و در اکثر کتب اصحاب ما و دیگران مذکور است...» (همان: برگ ۲۹).

– جمله‌ها اغلب کوتاه است

آن حضرت بر من سبقت گرفت و من به او نرسیدم و متفکر ماندم.

– جابه‌جایی فعل در جمله

در کجا بودید شما امامان/ بودیم ما صورت‌های مثالیه از نور در دور عرش که تسبیح می‌کردیم خدا را/ پیش از اینکه بیافریند آدم را به پانزده هزار سال/ پس کسی که وفا کند به عهد ما/ بشمار آن چهارده نفر را به اسم‌های ایشان و کیانند آن چهارده نفر؟/ قصاص کرده شود در خون‌ها و بازیافت شود میراث‌ها/ پس برگردانیدم برای شما بازگشت بر ایشان را و یاری کردیم شما را به مال‌ها و فرزندان و گردانیدم شما را بیشتر/ پس داخل شدند در میان خانه‌ها و بود این وعده کرده شده/ مرا ملاقات نماید در هر وقت که خواهد یا من او را ملاقات نمایم/ پس بیان فرما برای من ایشان را/ زود باشد که از تو پسری متولد شود/ تهنیت آن را به من رسانیده/ بیاورد ایشان را به سوی قتال/ و وای بر کسی که بکشد ایشان را به آن موضع.

– ذکر جمله‌دعاییه با فاصله از شخص دعاشده

سید اوصیا، علی بن ابیطالب است – علیهماالسلام – / طالع شده بود، علی بن ابیطالب است –
علیهماالسلام/ حسین بن علی است – علیهماالسلام/

– جملات دعایی

الحمد لله رب العالمین / صلوات الله علیها/ علیهماالسلام و...

جمله‌ها بیشتر با «واو» عطف و «و ایضاً» به هم پیوند خورده و معمولاً با نام اثر و صاحب اثر شروع می‌شود:

سید بن طاووس روایت کرده است.../ صاحب مناقب گفته است.../ و ایضاً شیخ مفید گفته است.../ و مسعودی در مروج الذهب گفته است... و...

– استفاده از آیات

اردکانی در کتاب خود از ۶۳ آیه استفاده کرده است. از تفسیر قول حق سبحانه و تعالی: «يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ اُنْسٍ يَمَامِهِمْ» (اسراء: ۷۱). و در وقت دخول این آیه تلاوت می نمود: «وَلَمَّا تَوَجَّهَ تَلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَى رَبِّي.» و فرود آمد.

– احادیث

اردکانی معمولاً احادیث و روایت‌ها را به زبان فارسی نقل کرده است. فرمود که: حسین از من است و من از اویم. دوست می‌دارد خدا کسی را که دوست دارد حسین را.

فرمود که: گروهی از امت من زیارت خواهند کرد قبرهای شما را به امید برکت و بر من لازم است که در روز قیامت به نزد ایشان بیایم و ایشان را از هول‌های آن روز خلاص گردانم و از گناهان رهایی دهم و داخل بهشت نمایم.

فرمود آسمان و زمین گریستند بر یحیی بن زکریا و حسین بن علی – علیهماالسلام –

– اشعار عربی: ۷ قصیده در این کتاب آمده است.

أَشْرِبُهُ أَبَاكَ يَا حَسَنُ انزجوامة قتلت حسین

– کاربرد جمع‌های مکسر عربی

آل اخیار طیبین / اعیان شام / اخبار و احادیث / اشیاخ / انساب آن ده نفر / اکابر و اعیان / اصح و اشهر و اکثرند /

– استفاده از جمع‌های سالم

بنات / ابیات / عورات / آیات / اموات / حجج و شواهد.

– کاربرد فراوان صفات و قیده‌های عربی

عظیم‌القدر/ عالمین، عاملین/ متکثره متواتره/ گروه غدار فجّار کجا به امان وفا می‌کنند.

– فاصله بین علامت نفی و فعل منفی

بخواه آنچه می‌خواهی، نه از روی رغبت و نه از روی ترس و نه از روی اندازه/ شیر هیچ زنی نخورد. نه از فاطمه و نه از غیر فاطمه/ که نه بر من باشید و نه از برای من/ مرا با تو نه دوستی است و نه از تو خوشحالم و نه از تو امید دارم.

– کاربرد فعل وصفی به جای ماضی مطلق

پا در میدان سعادت نهاده و پانزده سوار را به ضرب شمشیر آبدار روانه دارالبوار نمود. روی به معرکه کارزار نهاده، بر دست هانی شهید شد. نزد آن سرور آمده، اظهار رخصت کرد. به نزد برادر آمده و آنچه گذشته بود، به عرض رسانید. تو پیر شده و خرافت تو را دریافته است.

– مقدم بودن فعل بر دیگر اجزای جمله

و آن چهار هزار ملک به آسمان بالا می‌روند و آن‌ها می‌گیرند تا طلوع صبح. / گفت: ما مبتلا شدیم به عمر دراز/ و تأسف می‌خوردم بر آن شخص اول/ و با ایشان به مشافهه سخن نمی‌گویند، بلکه می‌فرستد به سوی ایشان پیغمبران را از نوع ایشان از بشر.../

– کاربرد فعل مرکب با مصادر عربی

و بر سر آن‌ها مقاتله نمودیم/ و احدی از اهل شام در آن باب با ایشان مشارکت ننمود/ اول بر حال ما رقت کرد و تلطّف نمود/

و بیوه‌گان ما را تزویج نمود/ در حدث خود می‌غلطید و استغاثه می‌کرد.

– استفاده از فعل ربطی متصل

که همیشه غالبند. در حالتی که سیرابند. این گروه مرا می‌طلبند. مذبوح می‌نامند. چه بسیار کمند. کسانی که بعد از ایشانند. اهل بیت آن حضرت که پاکیزگانند. کجایند اهل دین و کجایند

اهل شهر/

– کاربرد پیشوندها و پسوندهای فعلی

فریاد برکشید/ برهم می‌زنید/ فراگرفتیم/ فرود آمد/ می‌افرود/ فرو گرفته بود/ فروریخت/
فرونشست/ فرود آورد/ فرورود/ فرومی‌آید/ فروریزند

– تکرار «که» و فرمود که

آیا می‌دانی که مؤمنی از غیر آل محمد – صلی‌الله‌علیه‌وآله – بر در خانه حاضر باشد. / فرمود
که: مثل تو کسی می‌باید که غایب نباشد/ فرمود که: شنیدم از پدر تو، در روز بصره که، می‌فرمود
که: هر که خواهد که، با من نیکی کند.

– کاربردهای دیگر فعل

فرمود که از تو عفو کردم/ چه گناه صادر گردید/ خواهشمند شدند/ نقل کرده بود، از او نیز
نقل کرده است/ مستفید شوم/ هرگز داخل نکردیم/ موشح و مزین سازد/ رقم وعده شده/ اقامه
فرموده‌اند/ کمر بسته‌اند/ وارد گردید/ اقتصار نماید/ چشمم لکه سفیدی به هم رسید/ خدمت آن
حضرت مشرف شوم/ متکفل آن سرور گردید/ سوار باشند.

– استفاده از صنایع ادبی

اردکانی برای زیبایی نثر خود از صنایع لفظی و معنوی استفاده نموده است.

– استعاره

به زبان قلم خجسته/ عرق قرابت/ عالی جاه بلندجایگاه سعادت همراه معارف آگاه دوحه
چمن مصطفوی و بلبل دومان مرتضوی/ دوستان صداقت‌بنیان/ گوهرهای آبدار/ بحر خاطر آن
بزرگوار/ زبان عذر کوتاه/ آینه تقدیر/ پردگیان سرادق عزت و جلال سوخته‌دلان اشک‌بار/
برگزیده رب‌الارباب/ قندیل‌های رحمت/ پرده‌های عرش/ مقدمه اهل سعادت/ ماه شب چهارده/
از آن نور آفرید دوازده حجاب را/ زبان معجز بیان خود/ مژگان‌های چشمش مثل چنگال

کرکس / زمین می‌جوشید به وضعی که گویا قبر بود که آتش در زیر آن افروخته باشد / شمع‌ها
در آن صحرا بیدار شد /

– کنایه

دیوارها گوش دارند، چنان‌که آدمیان گوش دارند.

یزید سه جرعه زهرمار می‌کرد و ته‌جرعه آن را در کنار تشتی که سر امام حسین ع در آن
تشت بود، به زمین می‌ریخت.

– تضاد

آسمان و زمین و ظلمت و نور را؟! / دوستی ما پنهانی است و دشمنی ما در میان مردم فاش
است و نمی‌دانی / اولین و آخرین / نه آسمانی بود و نه زمینی و نه عرش و نه بهشت و نه آتش /
عامه و خاصه / محبوب‌ترین اهل زمین نزد اهل آسمان /

– جناس

نام نامی و اسم سامی / عالم علم خدا / ما تسبیح می‌کردیم او را در وقتی که تسبیحی نبود /
تقدیس می‌کردیم او را در وقتی که تقدیسی نبود / جانب خدا و از جانب خود / سلام بر او کند /
من سلامش را برسانم صلوات فرستد / من صلواتش را برسانم / حسین از من است و من از
حسینم / حسین سبطی است از اسباط /

– مراعات نظیر

افلاک و انجم و سپهسالار ملک پنجم، یعنی بهرام / معجزات و کرامات / آثار کذب و افترا /
علامت تعصب و عناد، نصب و الحاد / فریض‌ها و نافل‌ها / نه آسمانی بود و نه زمینی و نه عرش
و نه بهشت و نه آتش / نه از روی رغبت و نه از روی ترس و نه از روی اندازه / عامه و خاصه /
محبوب‌ترین اهل زمین نزد اهل آسمان / تسبیح و تهلیل و تمجید خدا می‌کرد / امامت و وراثت و
خزانه‌داری علوم /

۸ نتیجه‌گیری

مقتل نویسی و توجه به مظلومیت سیدالشهدا(ع) مقوله‌ای است بسیار مهم در تاریخ و فرهنگ اسلام و ایران، که آثار بسیار ارزنده‌ای در خصوص آن تألیف یافته و صفحاتی از تاریخ‌های مهم را به خود اختصاص داده و آثار مستقل زیادی در روایت تاریخ و بیان مظلومیت شهدای کربلا در طول تاریخ به فارسی و عربی و... نگاشته شده است.

تألیف آثاری درباره تاریخ عاشورا و به‌ویژه عزاداری‌ها و مقتل‌ها، نشان از اهتمام عالمان و محققان شیعی بدین مسئله است. خوشبختانه منابع متعدد و قابل اتکایی از پنج قرن نخست هجری به دست ما رسیده که به گزارش نهضت عاشورا پرداخته‌اند. این منابع را می‌توان به دو دسته مستقل و مشتمل تقسیم نمود: منابعی که ویژه گزارش دهی نهضت عاشورا و حماسه‌سازان این واقعه بی‌نظیر است؛ و منابعی که تنها بخش و فصل‌هایی از آن‌ها، درباره قیام امام حسین(ع) است.

در این میان، اثری چون روضه حسینیة سید احمد اردکانی با توجه به استفاده از کتب و اسناد معتبر و جامع و کامل بودن، از جایگاه ویژه‌ای برای مطالعه و تحقیق برخوردار است؛ به‌ویژه اینکه ایشان در ادامه نقل هر روایتی، خود به نقد و تحلیل آن می‌پردازد.

سید احمد بن محمدابراهیم اردکانی (۱۱۷۵-۱۲۳۸ق) از علما، مورخان و محدثان معروف شیعه و از مراجع تقلید یزد بوده است. در کربلا در محضر آقا باقر بهبهانی (متوفی ۱۲۰۵ق)، در اصفهان آخوند ملا اسمعیل خواجه‌اصفهانی و آخوند آقا محمد بیدآبادی فقه، اصول، فلسفه و... را آموخت و سپس یزد را مسکن دائمی خویش قرار داد. وی از نخستین کسانی است که به مبارزه با شیخیه پرداخت.

آثار او را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد: ۱. ترجمه‌ها از جمله ترجمه بحار الانوار علامه مجلسی، ترجمه اکمال‌الدین و عیون اخبار الرضا(ع) تألیف شیخ صدوق و...؛ ۲. تألیف کتبی

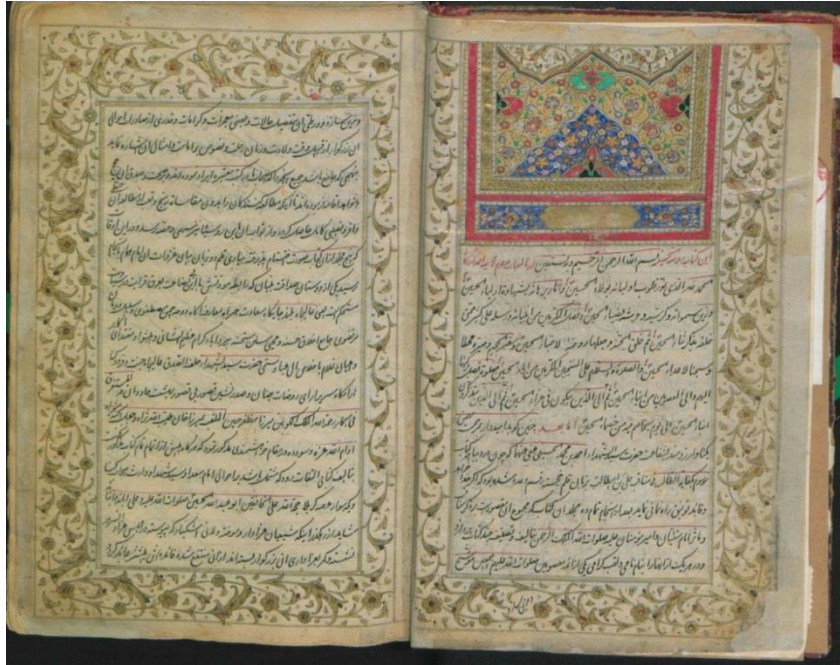
چون سرگذشت امام محمدتقی و امام علی نقی و امام حسن عسکری(ع)، سرور المؤمنین در زندگانی امیر المؤمنین(ع) در ده مجلد، شرح فضیلت صلوات بر پیغمبر و معصومین(ع) و... . از میان این آثار که شمار آنها به حدود ۲۴ عنوان می‌رسد، روضه حسینیّه اثر ارزنده و مهم اوست که در آن به سرگذشت امام حسین(ع) و وقایع حزن‌انگیز کربلا با استفاده از روایت‌های متعدد از کتب معتبری چون الارشاد شیخ مفید، احتجاج ابومنصور شیخ احمد طبرسی، إعلام‌الوری فضل بن حسن طبرسی، الامالی للشیخ الصدوق، کشف‌الغمّه ابوالحسن علی آریلی و... پرداخته است.

این کتاب در ۱۸ باب تنظیم شده است که باب‌های اول را در پنج فصل، دوم و چهارم را در ۲ فصل، پنجم و ششم را در ۳ فصل و یازدهم را در ۵ فصل، باب هفده، ۲ فصل با ۴ رتبه تقسیم‌بندی کرده است. اردکانی در هریک از این باب‌ها متناسب با موضوع و عنوان باب با اشراف و استفاده از اسناد و روایات معتبر متون شیعی به شرح و تفسیر آن موضوع پرداخته است؛ به‌گونه‌ای که در هر باب، با تکیه بر مستندات معتبر و نکته‌سنجی‌های دقیق و متقن وی، مجموعه‌ای ارزشمند از اسناد معتبر در باب هر موضوع تبدیل شده است.

شیوه اصلی اردکانی در نقل روایات، احادیث و ابیات ترجمه است. وی در ترجمه خود به متن اصلی بسیار وفادار است و با استفاده از ترکیبات بدیع، رنگ‌وبوی ادبی و هنری به ترجمه خود بخشیده و درعین حال شیوه زبانی وی در این اثر ساده و روان است.

اردکانی را باید یکی از نخستین مترجمان بخش‌هایی از کتب مقاتل همچون لهوف سید طاووس، الارشاد شیخ مفید، الامالی شیخ صدوق و... دانست؛ چنان‌که وی در برگردان و تفسیر و تحلیل این آثار، از صنایع ادبی غافل نشده و برای زیبایی کلام از آرایه‌هایی از جمله استعاره، کنایه، جناس، مراعات نظیر و تضاد بهره جسته است.

از روضه حسینیّه تاکنون دو نسخه شناخته شده که در کتابخانه مجلس شورای اسلامی و کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران محفوظ است.



تصویر ۱: برگ نخست نسخه شماره ۱۳۷۸۲ مجلس شورای اسلامی



تصویر ۲: برگ نخست نسخه شماره ۱۹۵۰ کتابخانه دانشگاه تهران

منابع

۱. آذرنوش، آذرتاش. (۱۳۷۵ش). تاریخ ترجمه از عربی به فارسی (از آغاز تا عصر صفوی):
۱. ترجمه‌های قرآنی. تهران: سروش.
۲. آقابزرگ تهرانی، محسن بن علی بن محمدرضا. (۱۴۰۳ق). الذریعة الی تصانیف الشیعة.
بیروت: دارالاضواء.
۳. ابن ندیم، محمد بن اسحاق. (۱۳۹۴). الفهرست. ترجمه محمدرضا تجدد. تهران: دنیای کتاب.
۴. اشکوری، قطب‌الدین. (۱۳۸۰). محبوب القلوب، تاریخ حکمای پیش از اسلام. تصحیح
علی اوجبی. تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۵. بیگ باباپور، یوسف، و غلامیه، مسعود. (۱۳۹۳). فهرست دست‌نویس‌های مراثی و
مقتل‌نامه‌ها. تهران: منشور سمیر.
۶. بیهقی، ابوالحسن علی بن ابی‌القاسم بن زید. (۱۴۲۸ق). لباب الأنساب والألقاب والأعقاب.
قم: مکتب آیت‌الله المرعشی.
۷. جعفریان، رسول. (۱۳۷۳). علی بن عیسی اربلی و کشف الغمة. مشهد: آستان قدس رضوی،
بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
۸. جعفریان، رسول. (۱۳۷۵). ملاحسین واعظ کاشفی و روضة الشهداء. چاپ‌شده در: مقالات
تاریخی، ج ۱. قم: نشر الهادی.
۹. جعفریان، رسول. (۱۳۸۱). تأملی در نهضت عاشورا. قم: انتشارات انصاریان.
۱۰. جودکی، حجت‌الله. (۱۳۷۷). قیام جاوید: گردانیده مقتل‌الحسین (ع) ابی‌مخنف. تهران:
مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان.
۱۱. حسینی اردکانی، احمد. (۱۳۷۵). مرآت الاکوان. به اهتمام عبدالله نورانی. تهران: میراث
مکتوب.

۱۲. دانش پژوه، محمدتقی. (۱۳۳۹). فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران. مجلد هشتم. تهران: دانشگاه تهران.
۱۳. درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرست واره دست نوشته های ایران (دنا). تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۴. دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۵). لغت نامه. تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. رنجبر، محسن. (۱۳۸۶). سیری در مقتل نویسی و تاریخ نگاری عاشورا از آغاز تا عصر حاضر ۳. فصلنامه علمی تخصصی تاریخ در آینه پژوهش، ۴(۱۶)، ۸۳-۱۲۱.
۱۶. سید بن طاووس، رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر. (۱۳۸۳). اللهوف علی قتلی الطفوف. تحقیق و تقدیم فارس تبریزیان (حسنون)، دارالاسوة.
۱۷. شقاقی سرابی، رضاقلی خان. (۱۳۹۸). لجة الألم فی حجة الأمم، (آوای درد). ترجمه الزحوف الی قتلی الطفوف ابن طاووس. تصحیح و تعلیق رضا مستغوی. تهران: عهد مانا.
۱۸. طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۵۶ق). الفهرست. تحقیق جواد قیومی. نجف اشرف: بی نا.
۱۹. کاشفی، حسین بن علی. (۱۳۹۰). روضة الشهداء. تصحیح حسن ذولفغاری و علی تسنیمی با همکاری صبا واصفی. تهران: انتشارات معین.
۲۰. لکهنوی کشمیری، محمدمهدی. (۱۴۰۶ق). نجوم الاسماء. قم: مکتبه بصیرتی.
۲۱. محدث قمی، عباس. (۱۳۵۹ق). الفوائد الرضویة. قم: بوستان کتاب.
۲۲. مولایی، محمدرور. (۱۳۷۷). قیام سیدالشهداء حسین بن علی (ع) و خون خواهی مختار. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۲۳. میرشریفی، سید علی. (۱۳۶۹). ابومنصف و سرگذشت مقتل وی. فصلنامه آینه پژوهش،

۲۴. نایینی، محمدجعفر بن محمدحسین. (۱۳۵۳). **جامع جعفری**. تصحیح ایرج افشار. تهران: سلسله انتشارات انجمن آثار ملی.
۲۵. نجاشی، ابوالعباس احمد بن علی. (۱۴۱۶ق). **فهرست اسماء مصنفی الشيعة مشهور به رجال النجاشی**. تحقیق سید موسی شیرازی زنجانی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.